

انجمن تاریخ

دوہمین نشریہ

آبان ماہ ۱۳۴۹

فہرست نوشتہ ہا در صفحہ پایان

مدیر انجمن تاریخ

ابراہیم صفائی

جای انجمن

خیابان روزولت

کوچہ شیمی - شماره ۲۰

انجمن تاریخ

مدیر انجمن تاریخ

ابراهیم صفائی

جای انجمن

خیابان روزولت

کوچه شیمی - شماره ۲۰

دومین نشریه

آبان ماه ۱۳۴۹

فهرست نوشته‌ها در صفحه پایان

انجمن تاریخ

دومین نشریه

آبان ماه ۱۳۴۹

هدف چیست؟

نخستین نشریه انجمن تاریخ را رجال صاحب نظر و دانشمندان و گروهی از دوستداران تاریخ و دانشجویان با توجه خاص پذیرا شدند و ما را تشویق کردند و تبریک گفتند :

کسانی پرسیدند ، هدف از چاپ این نشریه و پژوهش در رویدادهای دو قرن اخیر چیست ؟

این هدف را در نخستین نشریه نوشتیم اکنون هم کوتاهتر ولی روشن تر می گوئیم .

تاریخ دو قرن اخیر ایران از لحاظ رویدادها و دگر گونیهای سیاسی و تحولات فکری و اجتماعی و از حیث تأثیر پذیری از تمدن غرب اهمیت بسیار دارد و اجتماع کنونی ما از مسیر آن رویدادها و از تأثیر آن دگر گونی ها خواه ناخواه برکنار نیست .

برای شناخت دقیق تر از کارکرد اجتماعی و سیاسی آن زمان

و برای تنظیم تاریخی اطمینان بخش تر بایستی ب جستجوی نکته‌های تازه بر آمد
و نا گفته‌ها و نا نوشته‌ها را عرضه کرد.

پیداست که درك اینگونه مطالب آه و زنده است و بر آگاهی و بینش اجتماعی مردم نیز
می‌افزاید و ما را بسوی واقعیت‌ها راهنمایی میکند .

با این هدف می‌خواهیم تا آنجا که امکان پژوهش داریم با ارائه سند
پرده از نکته‌های پوشیده تاریخ بر گیریم و شخصیت‌های معروف را با خوب و بد
رفتارشان معرفی کنیم و نیز می‌خواهیم گوشه‌هایی از نابسامانی ایران قبل از ۱۳۰۰ ش
را در پیش چشم نسل جوان بیاوریم تا وسیله سنجشی بدست آنان دهیم که خود بتوانند
گذشته را از دید گاه‌های مختلف با حال قیاس کنند و کوششها و جهش‌ها و پیشرفت‌های
اجتماعی نیم قرن اخیر کشور را نیکو تر دریا بند و روزگار خود را بهتر قدر بدانند.

مخارج مظفر الدینشاه در اروپا

در باره وامخواهی های پر جنجال مظفرالدین شاه از روسیه در سال ۱۳۱۷ و ۱۳۱۹ قمری سخن بسیار است ولی کمتر باین نکته توجه شده که قسمت عمده وام مطابق قرارداد بمصرف پرداخت وامهای پیشین دولت ببانک شاهنشاهی



و بانک استقراضی رسید ، در این زمینه اکنون بحثی نداریم ولی جالب است که بدانیم مظفرالدین شاه پولهایی را که باگرو گذاشتن گمرکهای شمال و بیهای از دست دادن حیثیت مملکت و بدست آوردن دشمنی دولت انگلیس تحصیل کرد در اروپا چگونه مصرف می نمود.

چند برگ از سیاهه مخارج مظفرالدینشاه را در اروپا بدست آورده ایم . اینک یک برگ سیاهه هزینه ۲ روزه توقف پوتسدام را که بخط حسام السلطنه در ۲۶ صفر ۱۳۲۰ ق با ارقام سیاقی تنظیم شده و از طرف شاه (با خط میرزا محمدخان وکیل الدوله وزیر تحریرات) دستور پرداخت آن صادر و امضاء گردیده در اینجامی آوریم و چون خواندن ارقام سیاقی

برای همگان میسر نیست رو نویسی سیاهه را با ارقام ریاضی نقل می کنیم.
«صورت تنخواهی که بتوسط این چاکر دریافت و خرج شده است

بتاریخ ۲۶ شهر صفر الخیر ۱۳۲۰ / ۳۴۶۵۴ مارک

از بابت انعام باله و فقراء پستدام که به وزیر تشریفات بموجب
قبض داده شد / ۱۵۰۰۰ مارک - از بابت انعام دکتر لایدن / ۱۰۰۰ مارک -
از بابت مخارج پسر معتمد الوزاره که مرحمت شده / ۱۰۰۰ مارک -
از بابت مخارج دو روزه دو هتل بموجب قبض / ۴۳۸۷ مارک - از بابت
کالسکه و اضافه هتل در ثانی ۵۲۵ مارک - انعام اجزاء هتل / ۳۰۰ مارک -
از بابت قراولان عمارت / ۴۰۰ مارک - از بابت روزنامه نگار پاریس / ۱۰۹۹۶
مارک - انعام نوکر دکتر ۴۶ مارک - از بابت انعام راه آهن / ۱۰۰۰ مارک

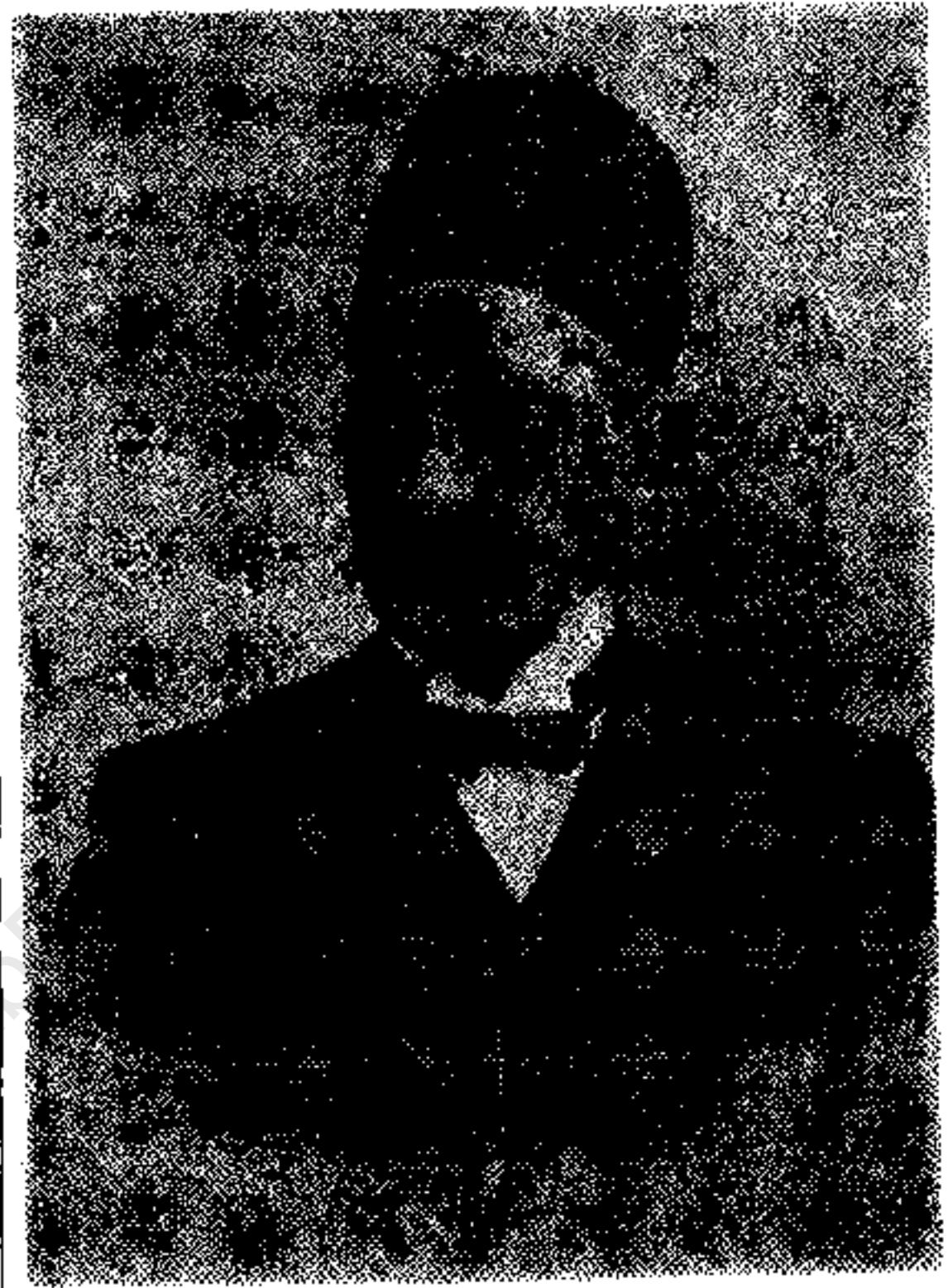
جناب اشرف اتابک اعظم ۳۴۶۵۴ مارک را به حساب السلطنه بدهید

برات صادر شود شهر صفر ۱۳۲۰ امضاء شاه - (برات) دو طغرا صادر شد ۱ «

۱- رقم ۱۵۰۰۰ مارک انعام باله و فقراء و ۱۰۹۹۶ مارک برای روزنامه
نگار پاریسی با توجه به ارزش پول و ارزانی مخارج در هفتاد سال پیش رقمی
شگفتی آور است و تائید کننده این شایعه می باشد که میگفته اند مظفر الدین شاه
قیمت و شمارش پول را نمیدانسته است و هر گاه در نظر بیاوریم که شاه شخصاً
در اقامت دو روزه پوتسدام در کاخ سفید آن شهر مهمان دولت آلمان بوده ،
مخارج دوروزه اطرافیان وی در هتل نیز سنگین بنظر می آید .

از اسناد مشروطه

از میرزا محمد خان وکیل الدوله وزیر تحریرات مظفرالدین شاه یادداشتهایی در کتاب اسناد سیاسی دوران قاجاریه نسبت به رویدادهای آغاز مشروطه انتشار دادیم ، آن یادداشت ها چون همه با آگاهی و بیغرضی کامل نوشته شده و یکی از معتبرترین مآخذ تحقیق تاریخ مشروطه میباشد و اشاعه آن هرچه بیشتر ضرورت دارد برای آگاهی نسل جوان و داوری تاریخ از این پس در هر نمره از این نشریه یکی از یادداشت های وکیل الدوله را می آوریم .



هردم ازین باغ بری میرسد . تازه تر از تازه تری میرسد .
سه روز است بازارودکاکین طهران بکلی بسته شده تمام آدرسفارت پناهنده هستند غیر از چند نفر تجار ترك و آنها هم چندان اهمیت ندارند ، مخالفت کرده و میان ترك و فارس تولید عدواتی شده آنها هم بسته اند نهایت سفارت نرفته اند ، و بازارها را باز نخواهند کرد تا مقصود برسند .
ایضاً می گویند يك فصل هم بفصول مطالب خودشان افزوده اند که

ماهاهر گاه مسلمانیم باما از روی قانون شرع رفتار شود، وهر گاه کافریم باما مثل قانون آنها معامله شود .

ایضاً آواکای^۱ زیادی در سفارتخانه در میان مردم است که بآنها تعلیمات می دهند قدغن هم کرده اند که مردم بی اجازه ژارژدافر با احدی گفتگو نکنند . ایضاً ژارژدافر با وزیر خارجه^۲ شفاهاً گفتگو کرده است که چرا بعراض این مردم رسیدگی نمی شود ، تا اینها از سفارت بیرون بروند(؟)

جواب داده است که آنها مردمان بی سرو پا و رجاله هستند که قابل اهمیت نیست و نمیتوان وقع بحرفهای آنها قرارداد ، ژارژدافر گفته است که: من مراسله رسمی مینویسم شما هم همینطور جواب بنویسید که بآنها نشان داده بگوئیم شماها رجاله هستید و از سفارت جواب داده شود . این سؤال و جواب بیکدیگر نوشته میشود اما جوابی که در جواب کاغذ رسمی وزیر، ژارژدافر مینویسد این است که : اگر اینها رجاله هستند واقوال و اجماع اینهمه جمعیت و ازدحام قابل اهمیت نیست و درایران اهمیت داده نمی شود، پس آن دو امتیاز راه آهن بوشهر ، و مسئله «ژری»^۳ بحرف این مردم و این قبیل اشخاص و بجهت این هجوم و ازدحام مردم موقوف شده بود ، در اینصورت این دو امتیاز ما هم ثابت و برقرار خواهد بود . ایضاً الآن ذکر کردند که سفیر عثمانی معزول شد و ایرادات از اسلامبول رسیده است که چرا وقتی که این مردم جهت اسلامیت خواسته اند

بسفارت مابیند باب سفارت مسدود و بسته باشد و اجزاء هم به آنهاراه
ندهند و پولتیک باین بزرگی رافوت داده و دچار محظورات زیاد شده باشیم،
ایضا گمتند سایر سفارتها میان افتاده میخوهند و مشغول سئوال و جواب
هستند که دولت علماء را بر گردانند و مقاصدی که داشتند انجام داده قبول
کنند تا این گفتگوها قطع شود، اما انگلیسها دیگر دست بر نخوهند داشت
مردم راهم جری وهم آسوده کرده اند .

۱ Avocat وکیل دعاوی

- ۲ - میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی نخست وزیر آغاز مشروطه
- ۳ - قرارداد انحصار دخانیات که در ۲۸ رجب ۱۳۰۷ ق بین دولت
ایران و مآثر تالبوت تبعه انگلیس بسته شد و بر اثر مخالفت روحانیان و
بازرگانان و تحریکات روسها در هفتم رمضان ۱۳۰۹ فسخ گردید ،

مردم ازین باغ بر سر سبز تازه نوزد تازه تر رسد
 که روز است با زرد که کسین کسین است بی رستا و بغارتی نمانند ^{خبر} سر زرد
 تا ترک و این هم جلال اہمیت ندارد و غایت کرب و حال ترک و سرخ ^{خبر} سر زرد
 این هم بسے لہ نہایت بغارت سرفہ لہر و با زرد را از خواہم کرد ^{خبر} سر زرد
 آفاق بگویند کہ فصول بصول مطالب حوالہ از وہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 سیدیم با لہر و قوال و قوال سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 آفاق لہر و زرد قوال و قوال سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 کہ لہر کہ مردم لہ اجازہ زرد و سرفہ لہر و سرفہ لہر ^{خبر} سر زرد
 آفاق زرد و سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 سہ کہ نیور آ این لہر بغارتی کردہ بودہ خواہیم کہ آہن لہر ^{خبر} سر زرد
 لہ سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ قابر اہمیت سیت و سرفہ لہر و سرفہ لہر ^{خبر} سر زرد
 زرد و سرفہ لہر کہ مردم سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 ن لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 کہ اگر اینہا سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 و در اہمیت لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 در سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 آفاق لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 کہ قرا و سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 آفاق لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 علیہ را بر کردہ و سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد
 آفاق لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر و سرفہ لہر کہ ما و جی لہر ^{خبر} سر زرد

تخت طاوس

تخت طاوس که در تالار کاخ گلستان جلب توجه می‌کند بدستور فتحعلی‌شاه با مباشرت میرزا محمدحسین صدر اصفهانی در سال ۱۲۱۶ ق ساخته شده است. این تخت زرین و مرصع که تصویر خورشیدی گوهر آگین و الماس نشان بر بالای آن هست در آغاز تخت خورشید نام داشته و فتحعلی‌خان صبا در چند قصیده بتاریخ ساختمان و نام تخت اشاره کرده است ولی پس از هشت سال این نام بیاد بود یک هوس فتحعلیشاه به تخت طاوس تبدیل شده است.

در سال ۱۲۲۴ ق فتحعلی‌شاه طاوس خانم اصفهانی همسر چهل و دوم خود را اختیار کرد، این خانم دست پرورده معتمدالدوله نشاط بود و بجز زیبایی و دلاری خداداد ذوق و کمالی بسزا داشت.

حسنعلی میرزا شجاع السلطنه فرزند فتحعلیشاه که در آن زمان حاکم طهران بود تشریفات عروسی طاوس خانم را برای پدرش به بهترین صورت فراهم آورد و برای شکوه بیشتر عروسی، تخت خورشید را (که جایگاه جلوس شاه در جشن‌های بزرگ و تشریفات رسمی بود) در حجله‌گاه برد و زفاف فتحعلیشاه و طاوس خانم بر عرشه زرین و جواهر نشان تخت خورشید انجام یافت و از آن زمان تخت خورشید به تخت طاوس

نامبردار شد . طاوس خانم بزودی از سوگلی های ویژه شاه گردید و لقب تاج الدوله گرفت ، صاحب ناسخ التواریخ درباره طاوس خانم نوشته است : چون بسرای سلطنت آمد چنان پسند طبع شهریار افتاد که از تمامت خاتونان فزونی جست ، همانا جواهری که از بهرحلی و حلال از سرو بر علاقه کرده بود معادل دو کرور تومان زر مسکوک بتقریم رفت . برای طاوس خانم يك دستگاہ عمارت باشكوه سلطنتی بوسیله عبدالله خان معمار باشی ساخته شد و با تجملات خیره کننده آراسته گردید ، چندسال معمول فتحعلی شاه آن بود که پس از انجام تشریفات نوروز با تمام بانوان حرم دوازده روز مهمان طاوس خانم تاج الدوله می شد . طاوس خانم يك وزیر زن و يك وزیر مرد داشت ، وزیر زن آصفه خانم دختر خانلرخان زند و همسر ملك ايرج ميرزا (پسر فتحعلیشاه) و وزیر مرد ميرزا حسين نوري پسر ميرزا اسدالله نوري (برادر ميرزا آقاخان) بود ، ميرزا ماه شرف خانم که زنی تحصیل کرده و نویسنده بود سمت منشیگری تاج الدوله را داشت .

چنانکه در تاریخ عضدی نوشته شده است ، تاج الدوله يك ارکستر زنانه مرکب از جمعی نوازنده و خواننده ورقاصه داشت که همه زیبارو و خوش اندام بودند و بیشتر برای سرگرمی شاه از آنان استفاده می شد ، سرپرستی این ارکستر را بانویی بنام بیگم رستم آبادی بعهده داشت .

تاج الدوله از فتحعلی شاه سه پسر و سه دختر بهم رسانید .
سلطان محمد میرزا سیف الدوله ، فرخ سیر میرزا نیر الدوله ، سلطان

www.KitaboSunnat.com
www.KitabFarsi.com

احمد میرزا عضدالدوله، شیرین جهان خانم و مرصع خانم و شمس الدوله،
در جمادی الاول ۱۲۵۰ که فتحعلی شاه به اصفهان سفر کرد طاوس خانم
همراه شاه بود و در قصر باغ سعادت آباد اصفهان جای گرفت و هنگامی که
فتحعلیشاه در پنجشنبه ۱۹ ج ۲ ر ۱۲۵۰ ناگهانی در اصفهان درگذشت
تاج الدوله بوسیله غلامحسین خان سپهدار به اصفهان نقل مکان کرد و پس
از انجام سوگواری فتحعلیشاه همراه پسرش سیف الدوله به طهران آمد و
بهمان صورت پیشین زندگی کرد ولی تا پایان عمر سوگوار بود. (۱)

۱- با استفاده از ناسخ التواریخ و تاریخ عضدی و دیوان فتحعلی خان
صبا و کتاب پانصد سال تاریخ جواهرات سلطنتی .

نامه‌های تاریخی

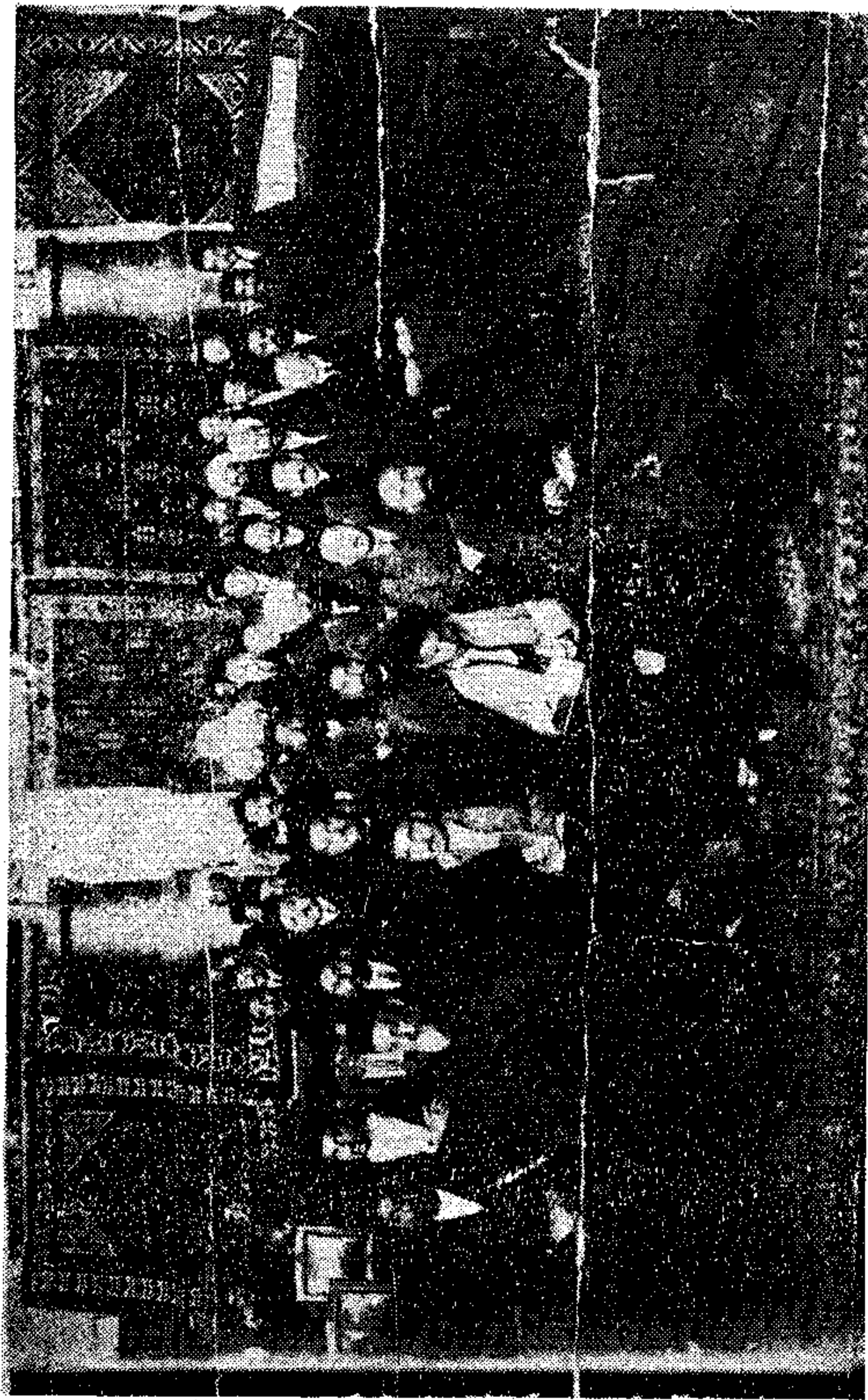
نامه مظفرالدین شاه به خواهرش ملکه ایران (همسر میرزا علیخان
ظهورالدوله)

م
کلمه ایران
بدرخواست از اهل دولت
در تاریخ ۱۳۱۹ ق
در عین حال که
مظفرالدوله
۱۳۱۹ ق

هو - ملکه ایران
انشاءالله احوال شما
خوب است ، در باب
مازندران ابدأ ما
بهموثق الدوله ویاکس
دیگر وعده نداده ایم ،
همان قسمیکه به -
ظهورالدوله فرمایش
شده است انشاءالله
بجناب اشرف صدر اعظم
فرمایش می کنیم که
قرار او را بدهد . ۱

۱ - ظهورالدوله در ۱۳۱۹ ق بدستور مظفرالدین شاه بحکومت مازندران
برگزیده شده ولی حکومت او طولانی نبود ، در ۱۳۲۰ قظهورالدوله

— برای پیشواز مظفرالدین شاه بیاد کوبه رفت دربار فروش «بابل» قتل‌روی داد، قاتل درخانه برادر شیخ محمد حسن مجتهد متنفذ معروف به «شیخ کبیر» پناهنده شد و برای دستگیری او در اثر بی تدبیری مبصر الممالک کاشی نایب‌الحکومه (پدراللهیار - علی پاشا - جهان‌شاه صالح) شورش کوچک و اصطکاک‌های بین قراش‌های حکومت و اطرافیان شیخ کبیر پیش آمد و چند نفر بسختی زخمی شدند، پس از بازگشت ظهیرالدوله به مازندران، بر اثر خشونت حکومت در میان قوای دولتی و توده مردم که پیروان شیخ کبیر بودند برخورد شدیدتری روی داد و قریب سی نفر کشته یا زخمی شدند. روحانیان مازندران و بحماییت آنان جمعی از روحانیان طهران بر ضد حکومت مازندران برخاستند، سرانجام ظهیرالدوله و نایب‌الحکومه کاشی معزول و بطهران فرا خوانده شدند.



عکس‌های تاریخی - صحنه‌ای از مجلس مؤسسان اول آذر ماه ۱۳۰۴ ش در رده نخست از سوی چپ
تدین - سهام السلطان و با فاصله يك نفر وثوق الاسلام قزوینی و سید محمدعلی شوشتری و در رده‌های دیگر
اعتبارالدوله - آقا زاده سبزواری - سلیم ایزدی - شیخ الاسلام ملایری - عزت‌الله بیات و ملک‌مدانی و قنبر الاسلام
پروجر دی و حاج میرزا محمود حسینی و امیر جنگ بختیاری و شیخ جلال نهاوندی دیده می‌شوند .

شعاع السلطنه و تابعیت عثمانی

در آغاز مشروطه ملك منصور میرزا شعاع السلطنه (فرزند مظفرالدین شاه) بمناسبت دوستی با روس‌ها، بیش از سایر شاهزادگان قاجار مورد بدگمانی و کینه‌توزی تندروان مجلس بود تا جایی که جان خود را در خطر میدید. ناچار با واسطگی سفارت عثمانی به اتفاق پسرش فتح‌الله میرزا و دائمش اجلال‌الدوله بی آگاهی دولت ایران به اسلامبول



رفت تا برگ تابعیت عثمانی بدست آورده به ایران بازگردد .

در خبرهای دوران آغاز مشروطه يك يا دو جا اشاره شده است که شعاع السلطنه تقاضای تابعیت عثمانی را نمود ولی بردرستی این خبر دلیلی نبود .

اینک رونوشت تقاضای او بخط خودش .

شعاع السلطنه در دفتر یادداشت‌های روزانه خود بتاريخ ۷ رجب

۱۳۲۶ ق چنین نوشته است .

دیشب تا صبح نخوابیدم. حالم بد بود، دلم درد میکرد، تب کرده بودم، امروز هم کسل هستم آب هلو^۱ خوردم، خیلی بدحالم، عجب اطمینانی در اقبال خود دارم. سعدالدین بک آمد و باز گفت جواب نرسیده است. وضع مغشوش است. به او گفتم این حرکت نه تنها لایق شأن بک ملت و بک پادشاه الوالعزم نیست بلکه لایق وجدان هیچ انسان نیست که کسی دعوت بکنند بعد مضايقه در وعده خود بنمایند، کاغذی بساطان نوشتم که عیناً درج می شود.

قربان خاکپای اقدس مقدس خلافت پناهِیت شوم - شارژدافر پس از تبلیغ او امر مقدسه در ایجاب و قبول استدعای عاجزانه که بتوسط عریضه در شهر ربیع الثانی عرض کرده بودم صلاح دیدند که خودم شخصاً بدربار سعادت عازم بشوم، این بود که زیارت کعبه جلال آن ذات مقدس چون حاجیان محرم شده در این موقع انقلاب وطن چشم از همه چیز پوشیده دریا نوردیده صحراها پیمودم ساعتی باستان مقدس و بان میقات اجلال نازل شدم، بیست و پنج روز است که در اسلامبول هستم، از مراحم شاهانه و مهمان نوازی ذات مقدس کمال تشکر را دارم^۲ و زبانم از ادای شکر عاجز است، قصدم این بود که تشکرات صمیمانه خود را در ازای مراحم مبدوله شخصاً عرض و جسارت بنمایم بدبختانه این انقلاب روی داده^۳ باین آرزو نائل نشدم. حالا استدعائی که دارم این است که بر حسب وعده صریح پاسپورت تبعیت باین غلام و غلام زاده^۴ عنایت شود که آسوده خاطر مراجعت کرده مشغول دعای بقای ذات مقدس بشوم.

خدای متعال در قرآن مجید یکی از انبیای اولوالعزم خودش را
بصدق وعده توصیف فرموده، ما ذکر فی الكتاب اسمعیل انه کان صادق الوعد.
امیدوارم ذات اقدس اشکال موقع اینغلام را که به انتشارات روزنامه‌ها
حاصل شده است تصور فرموده بمفاد اکرم الضیف ولو کان کافرا اینغلام را
از خیالات موحشه وافتضاحات آتیه مستخلص فرمائید - ملک منصور ابن -
مظفرالدین شاه قاجار . ۵

۱- يك كلمه ناخوانا

۲- چنانکه از یادداشت‌های شعاع السلطنه بر می‌آید وی با همراهانش
در آغاز در يك هتل سپس در خانه شخصی بنام عمر افندی مهمان سلطان عبدالحمید
بوده و احترامات و تشریفاتى اندک برای او انجام می‌شده و کسی بنام سعدالدین
بیگ مهماندار او بوده است .

۳- مقصود شورش مشروطه خواهان عثمانی است که در همان اوقات منجر
بصدور فرمان مشروطه شد .

۴- فتح الله میرزا

۵- روز ۱۱ رجب برکتابیت شعاع السلطنه و اجلال الدوله و فتح الله
میرزا از طرف سعدالدین بیگ، تسلیم شعاع السلطنه شد سپس با همراهان راه
ایران را در پیش گرفت .

استخاره محمد علی شاه

محمد علی شاه در کارهایی که تردید داشت به استخاره متوسل می شد، حتی برای بمباران مجلس هم استخاره کرد، برخی از استخاره های محمد علی شاه چاپ شده اینک استخاره یی نویافته باخط و امضای محمد علی شاه درباره ناصر الملک قراگزلو.

بسم الله الرحمن الرحيم - پروردگارا اگر ابوالقاسم خان ناصر الملک را برای وزارت لشکری و رسیدگی بحساب دفاتر قشونی و جنگی تعیین کنم صلاح من است استخاره خوب بیاید و الا فلا یاد ایل المتحیرین یا الله - محمد علی جواب استخاره - همان آیه شریفه انما عرضنا الامانه الی آخر آمده و حکم و مطلب همان است که بعرض حضور اقدس همایونی خلال الله ملکه رسانده بسیار بداست و موجب افسردگی . ۲

۱ - در متن پرورده گارا

۲ - از پاسخ پیدا است که استخاره دیگری نیز همراه این استخاره بوده است . خط پاسخ استخاره شناخته نشد خط کدام يك از روحانیان مورد اعتماد محمد علی شاه بوده است ، شاید خط سید محمد تفرشی باشد .

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

محمد

هنا آية تریفه انما عرضنا الامانة لافرنهم ولم
نمصرهم صعدوا من اولادهم ليهلكوا به
وموجب خبرك

استخارة محمد علي شاه

نگرشی تازه

در یکی از رویدادهای مشروطه

نسبت به قیام دوم مشروطه خواهان آذربایجان (در زمان محمد علی شاه پس از بمباران مجلس اول) در کتابها و تاریخ‌های مختلف بتفصیل سخن رفته و همه بر این اتفاق نظر دارند که آن قیام یکی از موجبات شکست محمد علی‌شاه و درهم ریختن بساط استبدادی او شد.

در این نکته هیچ حرفی نیست، در اینهم حرفی نیست که آذربایجان را در ایجاد حکومت مشروطه سهم بسزایی است، اما بیاییم واز گوشه‌های دیگر نیز پایان قیام آذربایجان بنگریم و ببینیم کوشش و قیام انجمن ایالتی آذربایجان سرانجام بجز تزلزل ارکان سلطنت محمد علی‌شاه چه آثار دیگر ببار آورد.

در این نگرش تازه از اسناد معتبر و منتشر شده منابع داخلی و خارجی گواه می‌آوریم و داوری را بخوانندگان وامی‌گذاریم.

قیام آذربایجان اگر هم فرض کنیم برای این منظور نبود ولی این نتیجه را نیز داشت که نیروی نظامی محمد علی‌شاه را در آنجا مشغول کرد تا زمینه قیام اصفهان و رشت فراهم گردید و محمد علی شاه چون عمده نیرویش در آذربایجان معطل مانده بود، توان جلوگیری از قیام

رشت و اصفهان را نداشت .

ژنرال سایکس در این باره گفته است .

« دفاع طولانی ملیون در تبریز ، به نقاط و مراکز دیگر اجازه

داد که قوای تربیت دهند، در میان آنها عمده رشت و اصفهان بود . »^۱

همکاری پنهانی دو سفارت روس و انگلیس و بالتبع همکاری دو

کنسولگری را در تبریز در هنگامی که قیام آذربایجان دوام داشت

(و سالها پس از آن) نباید نادیده گرفت .

سر جرج بارکلی وزیر مختار انگلیس در طهران ضمن تلگراف

۲۸ - ۴۰۴ نوامبر ۱۹۰۸ به سر ادوآردگری وزیر امور خارجه انگلیس

چنین تلگراف کرده است .

« شك و تردیدی برای اعلیحضرت باقی نمانده است که همکاری

واقعی بین این دو سفارت وجود دارد . »^۲

ثقة الاسلام روحانی آزاده و روشنفکر آذربایجان در یکی از نامه های

خود کنسولگری روس را مخالف آشتی بین حکومت و انجمن ایالتی دانسته

و چنین نوشته است .

« شما چرا تصور نمی کنید که قشون مراغه داخل تبریز می شود

قنسول روس حرف نمیزند . کار مردم بشدت میرسد ، تا یونجه خوردن

میرسد ایرادی نمی کند، اما وقتی من با سمنج رفتم و بنای مذاکره گذاشتم^۳

ترحمشان گرفت . تصور کردند که کار بطوری اصلاح می شود و ایشان

از مداخله بی نصیب میمانند . »^۴

و نیز ثقة الاسلام در نامه دیگر نوشته است .

« شجاع الدوله ۵ که تا وسط شهر را نده بود لمصلحة لازم الرعايه می شود و امروز محتاج او می شویم و مأمور می کنیم سر اردبیل و قره داغ برود اما عین الدوله که همیشه در اجرای او امر محمد علی شاه تکاهل می کرد حال او بدتر از شجاع الدوله می شود و هر کس که گفت او را موقتاً به حکومت قبول نمائید شاهسون و رحیمخان و غیره همه از حرف می شنوند طرفدار استبداد می شود، بلی طرفداران پولتیک انگلیس مصلحت ندیدند و مردم را اغفال کردند و دیگران را متهم نمودند و خودشان را جنت مکان کردند » . ۶

قیام آذربایجان جز آنکه فرصت و امکان برای قیام اصفهان و رشت فراهم آورد بدست سپاه روس تزاری نیز بهانه داد تا بعنوان حفظ اتباع بیگانه تبریز را تصرف کردند و از قتل و کشتار آزاد بخوانان و تعرض و تجاوز و حشیانه به مردم باز نایستادند و این تجاوز و تعرض سالها دوام داشت . حاجی اسمعیل امیر خیزی (فرهنگی معروف) که در زمان قیام آذربایجان و چند سال بعد از آن منشی ستارخان بود در باره تجاوزات روسها نوشته است .

« رفتار روسها واقعاً شدیدتر از رفتار يك لشکر فاتح بود که کشوری را استیلا کرده باشند و ابداً حرف حسابی بگوششان فرو نمیرفت در این باب انجمن و نایب الایاله بکنسولگری روس و انگلیس کتباً و شفهاً تذکر میدادند مگر نمی گشت » ۷ .

اندیشه تصرف شمال ایران از طرف روس‌ها و استیلای بر جنوب از طرف انگلیس‌ها در قرار داد ۱۹۰۷ پیش‌بینی شده بود خوب است باین تلگراف فرمانده دریاداری انگلستان در هندوستان که در تاریخ ۹ مارس ۱۹۰۸ به دریا سالار سرئی بو فرمانده نیروی دریائی انگلیس مخابره شده است توجه کنیم .

« با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی ایران محتمل است در آینده نزدیکی لازم دانسته شود که روسیه و بریتانیای کبیر برای حفظ جان و مال خارجی‌های مقیم آن کشور مداخله نمایند ، تاجایی که مربوط به بریتانیای کبیر است این دخالت محدود خواهد بود بحفظ انتظامات با استفاده از ناوگان دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در بنادر جنوبی ایران . اما دولت اعلیحضرت پادشاهی تصور می‌نماید که علاوه از حفظ منافع انگلیس ناوگان باید بحال آماده باش باشند تا چنانچه روس‌ها از مرز شمالی ایران بگذرند ، بتوانند فوراً بطرف بنادر جنوبی آن کشور حرکت نموده پرچم انگلستان را به اهتزاز در آورند » ۸ .

سرنیکلسون سفیر انگلیس در پایتخت روسیه در تلگراف ۵ . آوریل ۱۹۰۹ خود به سرادواری وزیر امور خارجه درباره ملاقات و گفتگو باتزار چنین توضیح داده است .

« در شرفیابی دیروزم امپراتور خاطر نشان ساخت که اوضاع ایران رقت‌بار است . شما عده‌یی از افراد نیروی دریایی خود را در بوشهر پیاده کرده‌اید . گفتم از جهت بی‌نظمی و اغتشاش در این شهر این اقدام کمال

ضرورت را داشت و انگهی این عمل صرفاً بمنظور حفظ جان و مال اتباع خارجی بعمل آمده است . اعلیحضرت امپراتور فرمودند . در شمال ایران هم اوضاعی مشابه این حکمفرما میباشد . چون منظور ایشان را درك نمودم گفتم: دولت متبوعه من همیشه این حق دولت روسیه را برسمیت می شناخته که برای حفظ جان و مال اتباع خارجی در شمال ایران هر اقدامی را که صلاح بدانند بعمل آورند » ۹

چنانکه دوسند بالادلات دارد دولت انگلستان با اقدامات نظامی روسها در تبریز سازگاری داشت ، سرادوار دگری در تلگراف ۲۰ آوریل که به نیکلسون مخابره نموده چنین تعلیم داده است .

« در باره پیشنهاد در مورد کمک و حفظ خارجیان در تبریز که طی تلگرام شماره ۲۱۴ - ۱۹ ماه جاری عنوان کرده اید هر اقدامی که ممکن است دولت روسیه بمنظور حفاظت خارجیها یارساتیدن آنزوقه بعمل آورد قلباً مورد تائید میباشد اقدام فوری ضروری است » ۱۰

آزادگان و روشنفکران بی غرض ایران در آن هنگام میدانستند که سرانجام قیام و جنگ خانگی بدخالت روسها منجر خواهد شد . ثقه السلام در یکی از نامه های خود نوشته است .

« حرف هایی را که در تبریز کراراً گفته ام سابق بشما نوشته ام که از جمله این بود که مملکت را هشتاد و چند سال قبل بد چهار ملیان پول خریدیم ۱۱ کاری نکنید که مملکت را بطبق گذاشته تحویل دیگران نمائیم . من راضی هستم که مرا در سیبری به بشکستن سنگ چخماق وادار

نمایند اما بیرق روس در این مملکت نباشد». ۱۲

نکتهٔ باریک‌تر این است که بدلالات این اسناد برخی از رهبران قیام احتمالاً از این هدف خارجی و نتیجهٔ نهائی آن آگاه بودند و بادو کنسولگری غیر مستقیم تماس داشتند و شاید چیرگی سپاه روس را بر تسلط حکومت عین الدوله ترجیح میدادند.

سرنیکلسن در تلگراف ۲۴ نوامبر ۱۹۰۸ (ذی‌قعدة ۱۳۲۶ ق) به سرادواری چین اعلام داشته است.

«ظاهراً مسیو اینزولسکی تردید دارد که آیا ارتباط مستقیم ما با ستارخان این احساس را بوجود نخواهد آورد که او را بعنوان مقام رسمی دو فاکتوی محلی شناخته و او را قدرتی مستقل از محمدعلی شاهر طهران میدانیم.....»

اضافه کردم همین تماس که با ستارخان گرفته می‌شود به او نشان خواهد داد که بریتانیای کبیر در صورت ادامه اغتشاشات حق روسیه را بدخالت تصدیق نمی‌نماید و عدم توانایی شاه هم با حوادث اخیر کاملاً واضح شده است» ۱۳

نیز سرنیکلسون در تلگراف ۲۷ نوامبر از قول ایزولسکی وزیر خارجهٔ روسیه پیشنهاد نموده است بکارمندان روسی اجازه داده شود برای تامین عبور و مرور کاروانهای بازرگانی با ستارخان ترتیبی بدهند. ۱۴

تلگراف دیگر از سر جرج بارکلی وزیر مختار انگلیس در طهران به سرادواری بشماره ۲۸۳ - ۱۹ - اوریل ۱۹۰۹ این نکتهٔ باریک را

آشکارتر می‌کند و میگوید .

« ستارخان و باقرخان از بیم قیام عمومی علیه مقامات نظامی امیدوارند انحرافی بوجود آورند که منجر بدخالت بیگانه‌گرد و بطوری که می‌شنوم ممکن است در نتیجه فردا به کنسولگری‌ها حمله گردد » ۱۵

سرانجام روز ۱۳۲۷/۲۴/۹ ق چند هزار سپاهی روس بفرماندهی ژنرال استارسکی وارد تبریز شده فرمانده روس اعلامیه‌یی پر خاشجویانه منتشر کرد و از مجاهدان خواست که اسلحه را بزمین بگذارند ، تمام راهپای ارتباط و مرکزهای حساس شهر را سپاهیان متجاوز تزاری در دست گرفتند به‌عین الدوله هم اخطار شد که از ورود او به تبریز جلوگیری خواهند کرد .

اسلحه را در دست هر کس که دیدند گرفتند و سنگرهای مشروطه - خواهان را با خاک یکسان کردند ، زیرا روس‌ها از قیام و نهضتی که رنگ ملی داشت در مجاورت مرزهای قفقاز خشنود نبودند لیکن تا آنجا که بهانه ورود نیرو و اشغال آذربایجان را بدست آوردند با قیام مخالفتی نکردند بلکه سپاه دولت را از کوشش‌های جدی بر حذر داشتند .

پس از ورود سپاهیان جمعی از روس‌سران انجمن و فرماندهان قیام از ژنرال استارسکی دیدن کردند و بگفته امیر خیزی « بمجاهدان و کسان خود سپردند که مراقبت کامل نمایند که از کسی نسبت به سپاهیان روس حرکت نامطلوبی روی ندهد » ۱۶

یعنی در برابر اشغالگران خارجی شمشیر خود را در نیام کردند

و تفنگ خویش را بر زمین نهادند .

چند نفر از سران قیام و سران انجمن چند هفته در کنسولگری عثمانی پناهنده شدند تا طهران بدست مجاهدان اصفهان و رشت تسخیر شد و محمدعلی شاه بقول ثقة الاسلام با فریب دولت روس ۱۷ به سفارت رفت و سلطنت خود را از دست داد .

از آن پس سپاهیان روس چندین سال بر آذربایجان چیره بودند و بیدادگری‌ها کردند که یاد آن نیز دردآور است .

اینک دآوری در بارهٔ موجبات اشغال و زیان‌هایی که از اشغال آذربایجان حاصل شد با خوانندگان محترم این نشریه می‌باشد .

۱- ص ۶۴۲ ج ۲ تاریخ ایران تألیف سایکس ترجمه فخرداعی .

۲- ص ۸۹۶ اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلستان ترجمه حسن معاصر

۳- مذاکره با عین الدوله استاندارد منصوب از طرف محمدعلی شاه برای اصلاح

۴- ص ۴۲۴ اسناد سیاسی دوران قاجاریه .

۵- شجاع الدوله صمد خان عنصر مستبد و طرفدار روس‌ها

۶- ص ۲۹۱ ج ۲ رهبران مشروطه (خط ثقة الاسلام)

۷- ص ۳۶۴ قیام آذربایجان

۸- از کتاب اسناد محرمانه انگلستان ترجمه حسن معاصر

۹- صفحه ۱۰۹۳ همان کتاب

۱۰- صفحه ۱۰۸۴ همان کتاب

۱۱- اشاره به هشت کرور خسارت نقدی که بموجب عهدنامه ترکمانچای دولت ایران به روسیه داد - اصل خسارت ده کرور بود و دو کرور کم شد.

۱۲- ص ۴۲۳ اسناد سیاسی دوران قاجاریه - خط ثقه الاسلام

۱۳- ص ۸۸۹ و ص ۸۹۲ کتاب اسناد محرمانه انگلستان ترجمه

حسن معاصر

۱۴- ص ۹۰۶ کتاب مزبور

۱۵- ص ۱۰۷۸ کتاب مزبور

۱۶ ص ۳۶۱ قیام آذر بایجان

۱۷- ص ۴۲۷ اسناد سیاسی دوران قاجاریه

تیمورتاش و تقی زاده

عبدالحسین تیمورتاش در دی ماه ۱۳۱۱ از مقام خود برکنار شد و روی اتهامات متعدد که داشت دو بار بدادرسی کشیده شد (در اسفند ۱۳۱۱ و در تیر ماه ۱۳۱۲) در هر دو بار محمد سروری دادستان دیوان جزای عمال دولت (دیوان کیفر) کیفر خواست برای وی تنظیم نمود و در شعبه اول دیوان جزا بریاست شیخ عبدالعلی لطفی دادرسی انجام گردید، دادرسی نخست محرمانه بود و دادرسی دوم علنی و در هر دو دادرسی محکوم گردید، یکی از موارد اتهام در دادرسی اول سوء استفاده ارزی بود.

یادداشتی از تیمورتاش در دست میباید که پیش از دادرسی، در زندان نوشته است. این یادداشت در حالی که یکی از اتهامات نخستین دادرسی تیمورتاش را به اقرار خودش آشکار میسازد چنین مینماید که تقی زاده وزیر دارایی و حسینقلی نواب عضو هیئت مدیره بانک ملی (لااقل به گمان تیمورتاش) در تشکیل پرونده اتهام سوء استفاده ارزی علیه وی دست داشته‌اند،

اینک یادداشت تیمورتاش بخط خودش.

«چیزی که فعلاً مطرح است معاملات اسعاری با بانک ملی است، در این باب بطور قطع می‌گویم که هیچ نوع معاملات اسعاری با بانک نکرده‌ام نه لیره ۹ تومان را در ۶ تومان خریدم و نه بدون دادن پول اسعاری خریدم، فقط يك فقره ۲۴ هزار لیره که با مساعدت من خوانین

بختیاری از کمپانی قرض کردند بیسبب ملی فروخته شده است که آنهم معامله مربوط به حضرت آقای وزیر جنگ^۱ است و خودشان خوب خبردارند و دیگر هیچ نوع معامله اسعاری نشده است بنابراین با مشورت حضرت آقای وزیر جنگ از آقای شریعت زاده^۲ خواهش کنید مدارک این اتهام را جمع آوری بفرمایند. زیرا من نمی توانم در مقابل انتریک های تقی زاده و نواب ساکت بمانم و این تهمت را قبول کنم من فعلاً نمی-توانم اظهار و اعتراضی بکنم زیرا رسماً خبری ندارم،^۳»

۱ - سردار اسعد ۲ - وکیل مدافع تیمورتاش ۳ - این یادداشت ظاهراً برای محمد هاشم میرزا افسر نوشته شده است.

ایران شناسی

پس از این از داوریه‌های بیغرضانهٔ بیگانگان زیر عنوان ایران شناسی گاهی نکته‌هایی می‌آوریم و بدرستی میدانیم که آوردن اینگونه نکته‌ها جوانان را در شناسائی بیشتر ویش گیهای پرارج ملی و میهنی خویش یاری و راه‌نمایی خواهد کرد .

اینک ترجمهٔ کوتاهی از بخشی از کتاب، ایران نو، نوشتهٔ ال پی ساتون چاپ لندن ۱۹۴۱ . ۱

کشور ایران و مردم آن

مردمانی که در ایران زندگی می‌کنند از نژاد باستانی آریایی هستند، ایرانیان دارای موی سیاه، چهره دلیر و گیرا، بینی درشت و چانه کوتاه میباشند، روستائیان ایران که در هوای سالم زندگی می‌کنند خوش اندامی باستانی خود را حفظ کرده‌اند و بیشتر بکشاورزی مشغولند. خوی و روحیه ایرانی شباهتی با آلمان‌های خشن ندارد، مردم این سرزمین صلح‌دوست و ملایم و دارای استعداد و صاحب اندیشه میباشند یکی از ویش گیهای ایرانیان عشق آنان به موسیقی و هنرهای زیبا است، هنرهای زیبا در این کشور به اقتضای ذوق و سلیقهٔ مردم ظریف و مافوق تصور است. ایرانیان در هنر نمایی کوشش دارند قسمت‌های چشمگیر را بیشتر

جلوه دهند، ایرانیان خوش بیان و خوش صحبتند و یکی از سرگرمی‌هایشان این است که دوزهم می‌نشینند و چای می‌نوشند و در باره مسائل گوناگون داخلی و خارجی گفتگو می‌نمایند.

ایرانیان که برای ادامه زندگی هیچگونه مساعدتی از طبیعت ندیده‌اند فطرتاً مردم با استقامت و چالاکی هستند.

درکیش باستانی ایران دستور داده شده که هر کس باید چوگان بازی تیراندازی - زوبین افکنی و شناوری را بداند. چوگان بازی از ورزش‌های تفریحی و جالب ایرانیان باستان است، این بازی از ایران به هندوستان و از آنجا به انگلستان راه یافته، جوانان ایران در این اوقات که تحولات جالب در این کشور روی داده به فوتبال و بازی‌های ورزشی جدید دلبستگی بسیار نشان می‌دهند.

ساتون نویسنده کتاب «ایران نو» انگلیسی است و با زبان فارسی آشنائی کامل داشته، وی مدتی در اهواز و خرمشهر در شرکت نفت کار می‌کرده و در ۱۳۲۱ هم چندماه وابسته مطبوعاتی خانه پیروزی در طهران بوده و بیش از این از حال وی آگاه نیستیم و نمیدانیم اکنون زنده می‌باشد یا در گذشته است.

نمایندگان ملت



ارباب کیخسرو و شاهرخ فرزند میرزا
شاهرخ زرتشتی کرمانی است .
ارباب کیخسرو قبل از
مشروطه منشی تجارتخانه ارباب
جمشید بود ، از دوره دوم تا دوره
دوازدهم بدون رقیب بنمایندگی
اقلیت زرتشتی انتخاب شد ، تنها
در انتخابات دوره چهارم خدا بخش

معروف به «ماستر» زرتشتی روشنفکری که در هندوستان تحصیلات عالی کرده
و در یزد بتأسیس مدرسه و خدمات اجتماعی نسبت به زرتشتیان همت
گماشته بود بر قابت ارباب کیخسرو برخاست . زرتشتیان یزد و جمعی از
زرتشتیان کرمان طرفدار او بودند چندانکه پیروزی انتخاباتی ارباب
کیخسرو دشواری نمود ، اما در همان اوقات رستم خدا بخش بدست فریدون
زرتشتی کرمانی طرفدار کیخسرو گشته شد . خود ارباب کیخسرو از آن
توطئه آگاهی داشت یا نه ؟ نمیدانیم .

ارباب کیخسرو در فترت فاصله بین مجلس سوم و چهارم از طرف
وثوق الدوله بریاست کل تلفن ایران منصوب شد و سفری هم برای تهیه
وسایل فنی تلفن به اروپا رفت و شصت صندوق وسایل فنی برای گسترش

تلفن ایران خریداری کرده به ایران آورد و يك اتومبیل هم در انگلستان برای وثوق الدوله خریداری نمود .

از زمان افتتاح مجلس چهارم ببعده ارباب کیخسرو سالیان دراز کارپرداز مجلس بود و در نظم سازمان اداری و حسابداری و ایجاد ساختمانهای جدید مجلس خدمات ارزنده‌ی کرد و حسابداری مجلس را به یکی از همکیشان درستکار خود (ارباب مهربان) سپرد .

او در ترویج تعلیمات کیش باستانی ایران نیز کوشید و با پارسیان هند مناسبات دوستانه و فرهنگی برقرار کرد و موجبات مسافرت دینشاه ایرانی بازرگان پارسی مقیم هند را به ایران فراهم آورد و کتاب مزدیسنی را برای شناساندن تعالیم زرتشت تألیف نمود، ارباب کیخسرو مردی آگاه و درستکار بود و احساسات ملی داشت و سفرهای چند به اروپا رفته بود، گروهی از اهل سیاست وی را دوستدار سیاست انگلیس میدانستند و در چند مورد رفتار سیاسیش را مشکوک می‌پنداشتند .

ارباب کیخسرو در تیر ماه ۱۳۱۹ شبی هنگام بازگشت از يك مهمانی در خیابان پهلوی سگته کرد و در گذشت و چنانکه در باره مرگ‌های ناگهانی شخصیت‌های سیاسی معمول است نسبت بمرگ او هم شایعه‌سازی شد، بعداً چند روزنامه آن شایعه را متوجه مدیر روزنامه اطلاعات نمودند اما دادسرای طهران با استناد بپرونده کار این اتهام را بکلی طرد و تکذیب کرد و مدیر اطلاعات هم در صفحه ۲۳۹ و ۲۴۰ کتاب «اطلاعات در ربع قرن» باین نکته اشاره و اتهام را ساخته مخالفان مطبوعاتی خود دانسته با صراحت شایعه مزبور را رد نمود .

روزنامهچه

این روزنامهچه یا راپرت در ۱۶ ذیقعدہ ۱۳۱۷ ق
در باره مدارس جدید طهران و روزنامه حبل المتین
کلمتہ از طرف یکی از خبرنگاران مخفی برای
اتابک نگارش یافته و در پشت گزارش مهر «عبدہ الراجی
محمود» دیده می شود.

چون مکاتب مدارس طهران هم یکی از افتخاراتی است که در
آینده بنام نامی حضرت مستطاب اشرف روحی فداہ خوانده خواهد شد
این مختصراً عرضه می دارم .
مدرسه تربیت نزدیک خیابان آقا شیخ هادی را چند نفر از اهل
محل دایر کرده میرزا حسن ادیب را که معلم ریاضی مدرسه دارالفنون
است مدیر آن مدرسه کرده بودند، میرزا حسن معروف به بابی است. چون
این مدرسه مانع از ترقیات مدرسه مفتاح الملک^۱ است تدبیری
کرده که این مدرسه بسته شود، اعلانی از قول بابی ها ساختہ قضا را یک
نفر از آشنایان غلام در آن وقتی که تدبیر می کرده اند بچه وسیله این مدرسه
رایبندند، در آنجا بوده جعل کردن اعلان و سایر خیالات مفتاح الملک را
بغلام حکایت کرد، قربتاً الی اللہ بعرض آستان مبارک میرسانم و راضی

نمی‌شود بحکم حضرت مستطاب اشرف ولی نعمت روحی فداه مدرسه که اساس مقدس است بسته شود ، حقیقت تزویرات مفتاح‌الملک را عرضه میدارد . بعد از جعل اعلان جناب وزیر علوم ۲ را که حالش پوشیده نیست فریب داده‌اند که بعرض آستان مقدس رسانیده حکمی از جهت بستن مدرسه گرفته و مدرسه را بستند و حال آنکه بانیان مدرسه کراراً عرض کردند، میرزا حسن ادیب بابی است او را بیرون کنید ، یا هر یک از مستخدمین مدرسه بابی است او را خارج کنید، خود مدرسه که بابی نیست .

از آنجائی که مقصود مفتاح‌الملک بستن مدرسه بود گوش ندادند و مدرسه را بدون سبب بستند حال هر گاه توجهی از طرف بندگان حضرت مستطاب اشرف روحی فداه شود که هر کس بابی است راه بمدرسه ندهند و مدرسه مقدس را بستن انصاف نیست از برای هوس مفتاح‌الملک ۳

و دیگر از عرایض خانه‌زاد غلام عمل روزنامه حبل‌المتین است اگرچه دزدی و تقلب پوشیده نخواهد ماند و هر وقت باشد پرده از روی کار برداشته خواهد شد ولی زود جلوگیری کردن فوایدش ۴ معلوم است. احتشام السلطنه ۵ که باعث ترقیات حبل‌المتین شده و چهارصد تومان بدون استحقاق بحکم مرحوم مشیرالدوله ۶ موجب از برای این اداره درست کرده است ، چند نفر از دوستانش نمیدانم بچه خیال بنای چیز نوشتن به اداره حبل‌المتین ۷ گذاشته‌اند و چنان پرده از روی کارهای ملی در آن روزنامه برداشته‌اند که تمام اهل هندوستان بزبان آمدند که این روزنامه با دولت ایران جنگ دارد، هر گاه مکالمه هندی و ایرانی که

یکسان است (۱) و در آن روز نامه نوشته می شود کسی از روی دقت ملاحظه کند محتاج بعرض غلام نیست و این چند نفر را در طهران غلام حدساً شناخته ولی یقین نمی توانم عرض نمود زیرا که می نویسند و به پست میدهند، هر گاه يك ماه محرمانه به پستخانه سفارش شود پاکتی که به اسم اداره حبل المتین میرود گرفته ملاحظه کنند این خائنان دولت شناخته خواهند شد، چند نمره است حبل المتین واقعاً با اساس سلطنت میزند چنانکه در دو نمره اخیر نقل از روزنامه موهوم روسی کرده است، و الله العظیم صد سال دیگر ملت ایران نباید این کلمات را بشنوند، مگر تاریخ ناپائون^۸ و فرانسه فراموش شده همین مطبوعات دولت بناپارتنی را منقرض نمودند بگفتن همین جعلیات، هر گاه اقلاباً دوسه ماهی حکم منع ورود این روزنامه به ایران نشود محال است دست از احتشام السلطنه و مقاصد خود بردارند، غلام غرض باین روزنامه ندارد لکن در عرایض تأمل و تصویری لازم است تا صدق و کذب معلوم شود.

-
- ۱- ناظم الاسلام در تاریخ بیداری نام مدرسه مفتاح الملك را افتتاحیه نوشته و گویا اشتباه کرده است.
 - ۲- جعفر قلیخان نیر الملك اول ۳- از تعطیل مدرسه تربیت در همان زمان (و شاید بر اثر همین گزارش) جلوگیری شده است.
 - ۴- در اصل «مفادش» ۵- محمودخان علامیر که در ۱۳۲۵ ق رئیس مجلس شد (بیوگرافی او در دوره اول زهبران مشروطه نوشته شده است)
 - ۶- شیخ محسن خان از سران فراماسونی ایران متوفی در ربیع الاول ۱۳۱۷ ق ۷- مدیر حبل المتین سید جلال الدین کاشانی مؤید الاسلام.
 - ۸- در متن «ناپلیان»

خبرهای گذشته

۱- مازر نیسترم

۵ قوس ۱۲۹۴ - مازر نیسترم ۱ که چندی قبل از طهران برای تأسیس ژاندارمری کاشان حرکت نموده بود به طهران مراجعت کرده روز گذشته نزدیک غروب در دربار شاهزاده وزیر داخله را ملاقات نمودند .

۲- نمایندگان مهاجر

۶ قوس ۱۲۹۴ - نمایندگان که در قم توقف دارند روز گذشته تقاضای مخایره حضور کردند و قرار شد ام-روز قبل از ظهر آقایان مؤتمن الملک و وزیر خارجه برای مخایره حضوری در تلگرافخانه حاضر شوند .

۳- استعفای و ستداهل

۱۸ قوس ۱۲۹۴ روز گذشته مسیو و ستداهل ۲ بدربار رفته وزیر داخله را ملاقات و راجع به حقوق عقب افتاده اداره نظمیه شرحی شکایت نموده که با این ترتیب نمیتوان حفظ انتظام شهر را بعهده گرفت و از قرار معلوم از مقام خود هم مستعفی شدند .

۴- کمیته دفاع ملی

۱۹ قوس ۱۲۹۴ - شعبه کمیته دفاع ملی که در اصفهان تشکیل شده است از چندی باین طرف مشغول جمع آوری اعانه هستند و آنچه خبر میرسد تاکنون پانزده هزار تومان اعانه تهیه و حاضر کرده و باز هم مشغول جمع آوری هستند .

۵ - روزنامه رهنما

۱۸ - حمل ۱۲۹۸ - روزنامه رهنما بمدیریت آقای شیخ زین -
العابدین شیخ العراقین زاده منتشر شد .

۶ - استخدام در سفارت امریکا

۱۴ میزان ۱۲۹۸ - اللہیارخان و علی پاشا خان که فارغ التحصیل
مدرسه امریکائی میباشند از طرف سفارت امریکا بمنشی گری و مترجمی
سفارت منصوب شدند .

۷ - زمامداری سپهدار رشتی

۵ عقرب ۱۲۹۹ - بعد از ظهر روز گذشته آقای سپهدار اعظم ۳ در
حضور اعلیحضرت همایونی احضار و تشریف حاصل کرده پس از اصغای
او امر مطاعه مقارن غروب مراجعت و مجدداً مقارن مغرب برای درك
تشریف به قصر فرح آباد تشریف بردند . بقراری که اطلاع داریم از طرف
اعلیحضرت شہریاری تشکیل کابینه جدید بعہدہ ایشان تکلیف شده و
قریب به انجام میباشد .

۸ - برداشتن سانسور

۵ جوزا ۱۳۰۰ - مدتی بود که اداره پست و تلگراف قزوین تحت
سانسور نظامیان انگلیس بود و تا موقعی که در قزوین توقف داشتند سانسور
برقرار و پس از حرکت نظامیان به طرف بغداد و تخلیه قزوین سانسور
این دو اداره مرتفع شد .

۹ - حاجی سهم ملک اراکی

۱۰ جوزا - ۱۳۰۰ عراق - بین رعایای حاجی سهم الملک ۴ و اولادش با

رعایای حاجی محمد مهدی خوانساری و کسانش نقاری پیدا شده، رعایای چگنی
بتحریر آقا بزرگ خان اسپیران روی دسته‌یی از بستگان حاجی سهم‌الملک
اجماع کرده آب رودخانه را برگردانیده و بزراعت البرج بسته‌اند .
آنچه تاکنون بتحقیق پیوسته متجاوز از سی خروار بذر گندم را
آب مالیده و فاسد کرده است . عجالتاً رعایای البرج حاجی محمد مهدی
در شهر (اراک) و تمام دوایر دولتی متظلم و ضمناً هم تلگرافی بحضرت
ریاست وزراء مستقیماً مخابره کرده‌اند . (از روزنامه‌های سابق)

-
- ۱- ماژنیسترم افسر سوئدی مستشار ژاندارمری .
 - ۲- گوستاو وستداهل سرپرست مستشاران پلیسی سوئدی، از ۱۲۹۲ تا
۱۳۰۲ رئیس پلیس ایران بود و در گسترش و تنظیم سازمان پلیس و تهیه مقررات
و نظامنامه‌های پلیسی و تأسیس آموزشگاه پلیس خدماتی انجام داد، کوچه
وستداهل در خیابان امیریه محل سکونت او بود و بنام او معروف میباشد.
 - ۳- فتح‌الله اکبر .
 - ۴- حاجی سهم‌الملک بیات پدر سهام‌السلطان بیات .

امتحانات مدارس در پنجاه و یک سال پیش

نامه‌یی است که مدیر مدرسه پسرانه دولتی نجم آباد ساوجبلاغ به امتحان کنندگان اطفال نوشته و آنان در بالای آن نوشته مراتب امتحان و موفقیت و قبولی شاگردان مدرسه را گواهی کرده‌اند.

فی ۱۲ برج عقرب پیچی ثیل مطابق ۲۳ صفر ۱۳۳۹. حضوراً نور بحر الفتوه و جوهر معدن المروه سیدالاسلام آقای شیخ الاسلام طالقانی دامت افاضاته العالی.

مولانا و مقتدانا وسیدنا اطال الله بقائکم۔ بعد از تقدیم مراتب ارادت و وظایف دعاگویی تصدیع میدهد. از آنجائی که باقتضاء حسن معارف پروری و تشویق متعلمین و محصلین مدرسه مبارکه دولتی نجم آباد و مفاخر اولیاء مدرسه قدم شریف ارزانی فرمودید و ذره بی مقدار محض آنکه خدمت آن عالی مقدار درجه معلومات شاگردان رعیت زادگان را در ظرف این مدت قلیل مشهود گرداند ایشان را در معرض امتحان در آورده و مورد تمجید و تحسین آن سرورانام شدند و المنه لله موجب تشکر گشتند لذا توقع از محاسن اشفاق آن مرشد الازواق آن است آنچه در نظر خلت اثر رسیده بر وفق این صحیفه بخط لطیف مرقوم و ممهور فرمایند که تا عرصه قیامت لطف و مرحمت آن معدن کرامت نسبت به بندگان و

نونهالان و نوباوگان شمول قرین افتخار داشته باشد . عندالله وعندالرسول
ضایع نخواهد شد . باقی ، اجر کم علی صاحب الشریعه ، صاحب التحریر
الطویل الحاج سیف الصقیل والضیف الثقیل - پشت کاغذ مهر - سیف الذاکرین .
گواهی امتحان کنندگان

در ۱۲ برج عقرب پیچی ٹیل مطابق ۲۳ صفر ۱۳۳۹ اطفال مدرسه
مقدسه نجم آباد را در معرض امتحان در آورده اشهد بالله وکفی بالله شهیدا
جناب مستطاب صدر المتألهین و المتکلمین آقای حاج سیف الذاکرین
دام افضاله العالی در این مدت قلیل زحمات عمده کشیده و خدمات مجدانه
نموده و این امتحان همه گونه قابل تصدیق و تقدیس است و عموم اولیای
اطفال و سایر اهالی از اعیان و اشراف و رعایا از جناب معظم له ممنون و
کمال رضایت و تشکر را دارند - سید فضل الله - شیخ الاسلام مفتش اوقاف
ساوجبلاغ و اشتیاردپشت کاغذ مهر - فضل الله الحسینی - شیخ الاسلام ،
میر سعید قاضی .

۱ - شیخ الاسلام طالقانی در تاریخ اشاره شده رئیس مدارس حومه طهران
نیز بوده است .

کارنامه چند حزب

(۱) حزب اراده ملی

در این گفتار از کارنامه احزاب بر
چیده شده « حزب اراده ملی » (به
رهبری سیدضیاءالدین) « دمکرات
ایران (برهبری قوام السلطنه)
« عدالت » (برهبری دشتی و جمال
امامی) و « حزب ملیون » (برهبری
دکتر اقبال) بحث خواهد شد و
اکنون گفتاری از حزب اراده ملی
با يك ديباچه کوتاه .



پس از شهریور ۱۳۲۰ حزب های گوناگون و خلق الساعه در ایران
پدید آمد و هر حزب چندی بکوشش های سیاسی و اجتماعی و بیشتر تبلیغاتی
برای پیش بردن هدف خود پرداخت و يك یا چند روزنامه را ناشر افکار
خود ساخت ولی سرانجام هیچیک را دوام و بقائی نبود زیرا نهاد ملی و
پایه اجتماعی نداشتند .

حزب هایی که پدید آمدند به چند دسته متمایز تقسیم می شدند .
نخست حزب هایی بودند که برای پیشرفت اغراض سیاسی و استعماری
با پشتیبانی و دستگیری بیگانگان پدید آمدند و با جنجال و تبلیغات

وسیع دروغین آغاز بکار کردند و برنامه کارشان تخریب و تفرقه اندازی و ایجاد تزلزل و آشوب و خیانت به استقلال ملی بود، مانند حزب توده و حزب‌های هم پیمانانش .

دوم - حزب‌هایی بودند که با جمعیتی کم بوسیله يك یا چند صاحب نفوذ برای رسیدن به هدف‌های شخصی و کسب شهرت و بدست آوردن کرسی و کالت و وزارت پدیدار گشته و در اجتماع نفوذ و موقعیتی نیافتند و زود از هم پاشیده شدند مانند حزب عدالت و آزاد.

سوم - حزب‌هایی بودند که بدست دولت‌ها برای استقرار نوعی از حکومت حزبی و توفیق بیشتر در اجرای برنامه‌های دولت و ادامه زمامداری تشکیل گردیدند مانند حزب دمکرات ایران و حزب ملیون .

چهارم - حزب‌هایی که روی بایستگی ویژه برای یک نوع مبارزه سیاسی و پاس حقوق طبقاتی پدید آمدند، اینگونه حزب‌ها هدف اجتماعی داشتند ولی نه در سطح کلی و هدف اجتماعیشان انگیزه ارتجاعی نیز داشت با این حال کوشش این گونه جمعیت‌ها تا حدی اصیل و توجه گروندگانشان اندکی صمیمانه بود، بهترین نمونه این گونه حزب‌ها اراده ملی است .

حزب اراده ملی در بهمن ماه ۱۳۲۳ آغاز بکار کرد ولی از چند ماه پیشتر بنیان آن نهاده شده بود، سید ضیاءالدین دبیر مؤتمر اسلامی در فلسطین و نخست وزیر آغاز کودتای ۱۲۹۹ در انتخابات دوره چهاردهم بنمایندگی یزد برگزیده شد و در مرداد ۱۳۲۲ پس از تمهید

يك مقدمة تبليغاتی و سیاسی به ایران آمد و ورود او وضع خاصی را در محیط سیاسی طهران پدید آورد و انظار را متوجه وی کرد و دو گروه موافق و مخالف او در برابر هم صف آراستند .

مخالفان او را مظهر ارتجاع و عامل استعمار می گفتند و کلا دوستی او را (که از همان آغاز ورودش مورد تقلید عده بی از مردم واقع شد) یکی از آثار کهنگی فکر او میدانستند و اصطلاحات متروک و آخوندی مانند « تعاریج دماغیه » و « عنعنات ملی » که سید ضیاء الدین در رساله دفاعیه خود بنام « شعائر ملی » بکار برده بود مدتها سوژه طنز نویسان و طنزگویان بود .

سید ضیاء خطر حزب توده را بخوبی حس کرده بود و جلوگیری از این خطر را يك وظیفه ملی و يك فریضه اجتماعی میدانست ، او تحریک و تخریب و غارت و کشتاری را که حزب توده در سازمانهای کارگری به خصوص در طهران و اصفهان برپای ساخته بود میدید و برای پیکار با حزب توده بتأسیس حزبی نیرومند تصمیم گرفت ، برای تأسیس حزب ، رضا صراف زاده بازرگان سرمایه دار محل کلوب ایران را در خیابان سعدی در اختیار حزب گذشت اما قماربازان بزرگ و با نفوذ حاضر بتخلیه این محل نبودند ، کارگذاران کلوب ایران چند بار بدستور جمال امامی افراد حزب را از آنجا بیرون کردند ، سرانجام کتباً توافق شد که محل مزبور روز در اختیار حزب و شب در اختیار کلوب باشد . پور رضا وکیل متنفذ و حقوقدان معروف که دوست صراف زاده و سید ضیاء بود با دستاویز آن توافق کتبی و

استقرار ید تصرف بساط کلوب ایران را بیرون ریخت و محل کلوب به تصرف حزب در آمد و کسانی چون صراف زاده - کاظم کورس - مهدی لاری - غلامحسین کاشف - جواد حریری - کلنل سیاح - ارباب مهدی غلامحسین ابتهاج - نیر الملک - دکتر مرزبان - مظفر فیروز - صادق سرمد عبدالله خاوری - حسن صدر - نوزی زاده در حزب گرد آمدند و هسته اصلی حزب را سرمایه داران و طبقات متنفذ تشکیل دادند و هر یک از آن افراد خود وسیله جلب گروهی گردیدند ، کمک های نخستین برای تأسیس حزب بوسیله بازرگانان و سرمایه داران و بیشتر بوسیله صراف زاده فراهم گردید و فرش و مبیل و تجملات بسیار با آنچه وسیله کار است آماده شد ، جمعی در بان و پیشخدمت و پاسدار به استخدام حزب در آمدند ، روزنامه رعد امروز بمسئولیت مظفر فیروز از روز پنجم مهر ماه با عنوان وابستگی به سید ضیاء شروع به انتشار کرد ، کم کم روزنامه های وظیفه و هور و صدای ایران و صدای وطن و نسیم شمال و کانون و ندای آسمانی^۱ نیز وابستگی خود را به حزب سید ضیاء الدین اعلام داشتند و هیئت تحریریه بی در محل حزب بوجود آمد ، حزب در طهران و شهرستانها بوسیله اعضائی که «رابط» نامیده میشدند گسترش جست ، میان افراد عادی حزب و رابطها کسانی واسطه بودند که دست کم ده نفر عضو برای حزب فراهم میکردند ، این واسطه ها را سر حلقه می گفتند و بمناسبت همین اصطلاح این حزب پیش از نامگذاری به « حزب حلقه » معروف شده بود .

شخصیت سید و نفوذ پارلمانی و سیاسی و هدف اجتماعی او طبقات مؤثر و

متنفذرا جمع کرد، او از رابط‌های طهران که بیش از پنجاه نفر بودند يك مجلس شورای محلی تشکیل داد و مرامنامه حزب را با همفکری همه وابستگان حزب در ۲۲ اصل تدوین کرد، این مرامنامه در ۲۳ بهمن بتصویب مجلس شورای محلی حزب رسید و در همان جلسه عنوان «اراده ملی» برای نام حزب اختیار گردید و سید ضیاءالدین به عنوان منشی کل ۲ نیرالملک هدایت بعنوان رئیس شورای محلی طهران و غلامحسین کاشف و علی اصغر فروزان بعنوان نایب رئیس و صادق سرمد و بهاءالدین بازارگاد و حسن معاصر و صمد عیسی بیگلر بمنشی‌گری برگزیده شدند و از طرف منشی کل مولوی قاضی دیوان کشور بریاست دبیرخانه حزب منصوب گردید، برادران سید هم‌هر کدام در کارهای حزبی نقشی داشتند. روزی که حزب گشایش یافت، گروهی از ماجراجویان حزب توده به حزب اراده ملی حمله‌ور شدند و خواستند آشوبی ایجاد کنند، اما حزب اراده ملی چنین اتفاقی را پیش‌بینی کرده و صد نفر افراد گروه ضربتی خود را در زیر زمین‌های حزب جای داده بود، وقتی این عده با فیرادهای هولناک و چاقوهای کشیده از زیر زمین حزب بخیا بان سعدی ریختند ماجراجویان توده بی متواری گشتند. با تشکیل حزب اراده ملی برای کسانی که مرعوب خرابکاری‌های حزب توده بودند (به‌ویژه برای کارفرمایان) يك قانون امن و يك مرکز اتکاء فراهم آمد.

حزب توده با نگرانی مراقب پیشرفت حزب اراده ملی بود، نمایندگان حزب توده در مجلس و مطبوعات وابسته بآن حزب بسختی باسید و حزب

او پیکار میگردند و از هیچگونه تهمت و افترا و فحاشی و اخلاصگری
فروگذار نمی نمودند . افراد وابسته به حزب توده به شعبه ها و سازمانهای
وابسته به حزب اراده ملی هجوم می بردند ، سید برای خودگارد مستحفظ
تشکیل داد و یک سازمان پیکار و ضربتی مرکب از پیکارگران حرفه ای که
با اسلحه سرد مسلح بودند بوجود آورد و برای افراد این سازمانها حقوقهای
مکفی منظور نمود، مصطفی زاغی و صنیع خاتم و چند نفر دیگر آن گروه را
سرپرستی میکردند .

حزب اراده ملی با گرایش های ملی و مذهبی که داشت از عواطف ملی و
مذهبی مردم نیز استفاده کرد و رفته رفته در سازمانهای کارگری طهران
و شهرستانها رخنه جست و گروهی از کارگران را بسوی خود جلب کرد
و سدی محکم در راه کوشش های خرابکارانه حزب توده فراهم آورد ،
چنانکه بین وابستگان این دو حزب برخورد های خونین روی داد ، مکرر
سید تهدید بقتل شد و برآستی در صدد نابودی او بودند ولی او در عین
بی پروایی مراقب خود بود و مبارزه با حزب توده را چون یک فریضه ملی
بسختی دنبال میکرد .

بزودی حزب اراده ملی یکی از مهمترین مراکز سیاسی طهران
شد . حزب را سازمانی شکوهمند و مجلل بود بجز روزنامه های
حزب توده که سید را عامل استعمار و وابسته بسیاست انگلیس معرفی
میکردند ، روزنامه های متمایل به چپ هم سید را بداشتن سودای
دیکتاتوری و زمامداری متهم می ساختند .

چنانکه حسن ارسنجانلی مدیر روزنامهٔ چپ‌گرای «داریا» ضمن مقاله‌یی در سه شماره روزنامهٔ پرورش (بجای داریا) زیر عنوان «سیدضیاء چه میگوید؟» سید را بداشتن تمایل ارتجاعی و اندیشهٔ دیکتاتوری متهم نمود و مطالبی از قول سید جعل کرد که مورد تکذیب سید و روزنامه‌های حزب واقع شد.

سال ۱۳۲۴ سال پر حادثه و تلخی بود، آشفتگی روز افزون اوضاع، حضور نیروی بیگانه در سراسر شمال بخصوص در آذربایجان، تزلزل دولت‌ها، ابسترکسیون مجلس، فتنه‌انگیزی نمایندگان دست‌چپی ضعف و ناشایستگی دولت حکیمی و سرانجام تجاوز و جنایات مزدوران حزب دمکرات در آذربایجان (که از طرف نیروی بیگانه پشتیبانی می‌شدند) دشواریهای هولناکی پیش آورد و حزب ارادهٔ ملی هم دچار بحران و تعطیل شد و پس از مامداری قوام السلطنه در پایان اسفند که دورهٔ چهاردهم مجلس سرآمد سید ضیاءالدین که بدوستی با انگلیس‌ها و مخالف با روس‌ها شهرت یافته بود، برای ترضیه خاطر روس‌ها و به اتهام کوشش در تیرگی روابط ایران و شوروی بدستور رئیس دولت در شهر بانی توقیف گردید و حزب اراده ملی بسته شد، بسیاری از اعضای حزب و حتی برخی از یاران نزدیک و ست‌عنصر سید در روزنامه‌ها کناره‌گیری خود را از حزب اراده ملی اعلان کردند و از دوستی وی تبرا نمودند، عاقبت با توقیف طولانی سید و دیگر گونی بایستگی‌های سیاسی بساط حزب بکلی برچیده شد.

تنها در سال ۱۳۳۱ سید بار دیگر حزب ارادهٔ ملی را در یکی از

خانه‌های وسیع خیابان شاه گشود و هدف خود را مقاومت در برابر آشوب‌ها و قانون‌شکنی‌های دولت وقت معرفی کرد، ولی این بار حزب اراده ملی سخت زودپا بود و پس از دو ماه برای همیشه تعطیل شد و منشی کل هم بدنبال زراعت و مرغداری و گلهداری رفت.

کارنامه حزب اراده ملی

هدف رهبر و بنیانگذار حزب اراده ملی مبارزه با حزب توده و جلوگیری از پیشرفت نفوذ و خرابکاریهای آن حزب و مقاومت در برابر فشار سیاسی شوروی بود، او در این پیکار تا حدی موفق شد و این خدمت در تاریخ مبارزه‌های سیاسی این عصر نباید فراموش شود.

سید هدف شخصی و سودای تحصیل مقام و ثروت و داعیه زمامداری نداشت از اینرو میتوان گفت در عقیده سیاسی خود صادق بود و پیکارش اصالت داشت چون هدفی ملی و اجتماعی را دنبال میکرد و حزتش با آنکه کانون مرکز جمعان و سرمایه‌داران شده بود تا حدی از وجهه ملی برخوردار بود.

مخارج حزب بر مردم و بر هیچ دستگاهی تحمیل نمی‌شد و بلکه از کمک‌های مؤثر بازرگانان و سرمایه‌داران و کارفرمایان و از حق عضویت کارمندان فراهم می‌آمد و حزب هیچگونه تحمیلی بر اموال عمومی نداشت و حتی در کمک به امور خیریه پیشگام می‌شد، چون کارخانه داران و بازرگانان برای پاس منافع خود در کمک نقدی به حزب بی‌دریغ بودند، برخی از وابستگان و اطرافیان نزدیک سید هم بعنوان کمک به مخارج حزب یا برای بکار بردن نفوذ در سازمانهای دولتی بسود خود بهره‌برداری میکردند

ولی خود او از این کوتاه نظری‌ها برکنار بود، سابقه روحانیت و نسب سیادت و بزرگداشت شعائر اسلامی و احترام به معتقدات مذهبی و برخی شیوه‌های ارتجاعی سید، جمعی از روحانیان و بازاریان راهم بسوی او کشیده و به او یک شخصیت مذهبی نیز دادند.

روی هم در مقام داور، حزب اراده ملی را با چنان کارنامه‌یی که داشت باید از احزاب خدمتگذار به‌شمار آورد.

۱- مدیران روزنامه‌های اشاره شده بترتیب - سید محمد باقر حجازی - علی جواهر کلام - صادق سرمد - علی بشارت - محسن ساعی - حسین مطیعی - محمد جناب‌زاده .

۲- سید خود محض فروتنی بجای عنوان «رهبر کل» عنوان «منشی کل» را پذیرفت ولی اعضای حزب بدو «رهبر کل» می‌گفتند .

قیام اسمعیل میرزا در لاهیجان

هنگامی که افغانها بر ایران چیره شدند و شاه سلطانه حسین تسلیم شد نخستین قیام و کوشش بر ضد افغانها بوسیله طهماسب میرزا ولیعهد که از اصفهان گریخته بود در گرگان بایاری فتحعلیخان قاجار (پدر بزرگ آقا محمد خان) آغاز شد و با دست توانای نادر بثمر رسید و پهنه خاك ایران از تاخت و تاز وحشیانه بیگانگان بیاسود . اما بجز قیام طهماسب میرزا و فتحعلیخان قاجار و نادر، قیامهای کوچک دیگر نیز در بیشتر شهرهای ایران روی میداد که همه از غرور ملی و حس وطنخواهی و پیکار جویی بر ضد بیگانگان مایه میگرفت ، قیام کنندگان برای آنکه مردم را گرد خود فراهم آورند هر يك دعوی همبستگی با دودمان صفوی را داشتند و مردم شاهدوست که در راه پاس ایران و سلطنت ایران بهرگونه فداکاری آماده بودند با جان و دل گرد او را میگرفتند .

یکی از قیامهای ملی در دوره چیرگی اشرف افغانی قیام شخص درویشی بود بنام درویش اسمعیل ، این شخص که اهل لاهیجان بود با انگیزه غرور ملی بر آن شد که در برابر بیگانگان خیردسر و بیدادگر قیام کند ، او به لباس و آرایشی شبیه شاهزادگان صفوی درآمد و خود را اسمعیل میرزا پسر شاه سلطانه حسین نامید و دعوی خویش را عنوان نمود و مردم گیلانرا برای نبرد با بیگانه دعوت کرد .

گروهی از مردم که بنخاندان صفوی دلبستگی داشتند و از چیرگی بیگانگان بسختی رنج میبردند با او متفق گشته قسمتی از نواحی جنوبی گیلان و لاهیجانرا بتصرف در آوردند ، محمد رضا خان قورچی باشی

سپهسالار گیلان سپاهی برای سرکوبی او فرستاد ، لیکن سپاه قورچی باشی در برابر نیروی اندک اسمعیل میرزا که با سلاح ایمان و وطنخواهی وارد نبرد شده بود شکست خورد .

بدنبال این پیروزی ، اسمعیل میرزا بنام يك شاهزاده صفوی در لاهیجان مراسم تاجگذاری برپاداشت و بنام او بر منبرها خطبه خواندند و سکه زدند .

پس از چندی قورچی باشی با سپاه دوازده هزار نفری به لاهیجان یورش برد ، در این پیکار اسمعیل میرزا مغلوب شده بخلخال گریخت ، در آنجا نیز گروهی از مردم بعنوان اینکه او يك شاهزاده صفوی است بر او جمع آمدند و وی با یاری مردم اردبیل و اطراف آن را گرفت و به آرامگاه شیخ صفی الدین رفت و نذر و صدقه بسیار نثار کرد و در تعمیر صحن و حیاط آرامگاه کوشید و پس از آنکه سپاه دوازده هزار نفری فراهم کرد به تسخیر گیلان و تمامی آذربایجان مصمم شد ولی سپاه عثمانی که در آن اوقات بر بخشی عظیم از آذربایجان چیرگی داشت به تحریک اشرف افغان بسپاه اسمعیل میرزا حمله ور گردید ، سرانجام در این پیکار اسمعیل میرزا کشته شد و با کشته شدن او یکی از قیامهای ملی و محلی که بر ضد افغانها در ایران پدید آمده بود خاموش گردید .

(۱۱۳۹ ق ه) ۱

۱ - با استفاده از نامه عالم آرای نادری تألیف محمد کاظم وزیر مروی

نامه‌های دوستان

۱- بانو شهنتاج فروزی - يك سند از مظفرالدین شاه برای ما فرستاده است .

۲- بانو ایران - يك عكس همگروه از ستارخان و باقرخان و چند نماینده دوره دوم مجلس، فرستاده است .

۳- آقای علی‌مشار- يك عكس از وکیل‌الدوله وزیر تحریرات و دوسند فرستاده است ، نمونه عكس وکیل‌الدوله در همین نشریه دیده می‌شود .

۴- آقای حسام ندیمی نوشته است : تردید نیست که رضا قلیخان نظام‌السلطنه یکی از شخصیت‌های ملی و چهره‌های درخشان تاریخ اخیر ایران بوده ولی تشکیل دولت و حکومت از طرف وی با وجود دولت قانونی مرکزی طهران که منصوب شاه وقت بوده ، چه صورت قانونی و چه هدفی داشته است ؟

میگوئیم : با آغاز جنگ جهانی ملت‌های اسلامی که بیداد کشیده استعمار روس و انگلیس بودند برای حفظ آزادی و استقلال ملی بپا خاستند . به خواست ملت‌ها در عثمانی سلطان محمد رشاد با فتوای روحانیان بعنوان جهاد در کنار آلمان باروس و انگلیس وارد پیکار شد و در ایران مستوفی الممالک قرارداد محرمانه جنگی با آلمان را امضا کرد (اول محرم ۱۳۳۴ ق) ولی دولت ملی مستوفی بر اثر فشار روس و انگلیس بر کنار شد و دولتی بدخواه آن دو کشور در طهران روی کار آمد و آن دولت (و چند دولت بعد از آن) بر احمد شاه تحمیل شدند ، ولی ملیون ایران از روحانیان و نمایندگان مجلس و طبقات مختلف، دست از پیکار ملی برنداشتند و رضا قلیخان نظام‌السلطنه (والی لرستان) که بیش از رجال همزمان خود وجهه ملی

داشت بدعوت مردم رهبری نهضت را بعهده گرفت و حکومت موقتی رادر
کرمانشاه تشکیل داد تا به امید پیروزی فردا پیکار ملی را ادامه دهد و
راهی که مستوفی الممالک در پیش گرفته بود بیپیماید. در آن زمان دولت
مرکزی دولت ملی و قانونی نبود و بر سلطان احمد شاه تحمیل شده بود
و طهران زیر فشار سیاسی و نظامی انگلیس و روس اداره می شد، هدف
مستوفی و بعد هدف رضاقلیخان نظام السلطنه رهایی طهران و طرد نفوذ
سیاسی و نظامی روس و انگلیس از سراسر کشور بود. حکومت موقتی
کارهای خود را بنام سلطان احمد شاه انجام میداد و عبارت «بنام نامی سلطان
احمد شاه قاجار پادشاه ایران» در بالای تمام کاغذهای حکومت ملی دیده
می شد و احمد شاه که خود قرار داد «مستوفی و پرنس رويس» را امضا
کرده بود باطناً با نهضت ملی همراه بود بهمین مناسبت هرگز حکومت
موقتی را طرد نکرد و اعتراضی به آن حکومت ننمود.

اگرچه دگرگونی های جنگ و نابسامانی کار حکومت عثمانی و قیام های
تحریر شده داخلی در آن کشور و سپس شکست آلمان، دولت موقتی را از
رسیدن به هدف های اساسی و نهائی بازداشت لیکن تردید پذیر نیست که قیام ملی
ایران در جنگ اول جهانی یکی از اصیل ترین و پاک ترین نهضت های ملی
ایران بوده است و از میان صفحات تاریخ آن نهضت چهره های درخشان و
آزاده و پرشکوهی خود نمائی می کنند که باید هرچه بیشتر آنان را شناخت.
۴- آقای عبدالحسین مؤمنی پور نوشته است: با آنکه معاضد السلطنه

پیرنیا فراماسون بوده تمایل او بمشروطه خواهی مثل تمایل گروهی از
رجال صدر مشروطه روی تحریکات خاص سیاسی نبوده است؟

میگوییم: پیش از آغاز مشروطه و در صدر مشروطه همچنانکه

فراماسو نه‌ای مشکوک و وابسته سیاست خارجی بسیار داشته‌ایم فراماسو نه‌ای پاک و وطنخواه نیز بوده‌اند که تنها بفلسفه انساندوستی و جهان بینی این مکتب گرایش داشته‌اند ، مانند سید صادق طباطبائی و شیخ هادی نجم آبادی و سید محمد طباطبائی و ظهیر الدوله و ادیب الممالک فراهانی و کمال الملک .

ما معاضداً السلطنه پیرنیا را هم در صف فراماسو نه‌ای بی رنگ می‌شناسیم و بین او با کسانی چون تقی زاده و حکیم الملک فرق بسیار می‌نهیم، رفتار او در مشاغل مختلف نیز گواه وطنخواهی و درستی و آزادگی اوست و تا کنون نقطه ضعفی برای وی نیافته‌ایم ، اگر آقای مؤمنی پور حرفی تازه و مستند دارد برای ما بنویسد و اطمینان داشته باشد که پس از بررسی چاپ می‌کنیم .

۵- آقای امیر حسین ملک منصور تذکر داده است ، بهرام که در نامه نصرت الدوله (ص ۳۶ نخستین نشریه انجمن تاریخ) یاد شده بهرام میرزا پسر ظل السلطان است که در زمان جنگ اول (اوایل ۱۹۱۶) در دریای مانش غرق شد .

۶- آقای عبدالحسین بهرامی در باره بهرام نامبرده همان تذکر ملک منصور را نگاشته و نیز یاد آور شده که در صفحه ۵۱ سردار معزز بجنوردی صحیح است و در ص ۱۲ تاریخ میلادی ۱۹۱۵ می‌باشد، این دو اشتباه در چاپ روی داده و هر دو تذکر ایشان بجا و درست است .
از دوستان عزیز سپاسگزاریم .

یار آوری - در صفحه ۲۳ سطر ۴ « تربیت، غلط و « ترتیب ، صحیح می‌باشد
در صفحه ۲۷ سطر ۱۶ جمله « پس از ورود سپاهیان روس جمعی از سران،
درست است و در همان صفحه سطر ۱۷ « ژنرال، با صحیح و « ژنرال، درست
می‌باشد .

فهرست مطالب دومین نشریه انجمن تاریخ

صفحه ۱ و ۲	۱- هدف چیست ؟
۳ تا ۵	۲- مخارج مظفرالدین شاه در اروپا
۶ تا ۹	۳- از اسناد مشروطه
۱۰ تا ۱۲	۴- تخت طاوس
۱۳ و ۱۴	۵- نامه‌های تاریخی
۱۵	۶- عکس‌های تاریخی
۱۶ تا ۱۹	۷- شعاع السلطنه و تابعیت عثمانی
۲۰ و ۲۱	۸- استخاره محمدعلی شاه
۲۲ تا ۳۰	۹- نگرشی تازه در یکی از رویدادهای مشروطه
۳۱ و ۳۲	۱۰- تیمورتاش و تقی زاده
۳۳ و ۳۴	۱۱- ایران شناسی
۳۵ و ۳۶	۱۲- نمایندگان ملت
۳۷ تا ۳۹	۱۳- روزنامه چه
۴۰ تا ۴۲	۱۴- خبرهای گذشته
۴۳ تا ۴۵	۱۵- امتحانات مدارس در پنجاه و یک سال پیش
۴۶ تا ۵۴	۱۶- کارنامه چند حزب
۵۵ و ۵۶	۱۷- قیام اسمعیل میرزا
۵۷ تا ۵۹	۱۸- نامه‌های دوستان

www.KetabFarsi.com

(دومین نشریه انجمن تاریخ)

جای پنخش

کتابفروشی سخن - خیابان نادری

۳۰ ریال